

باسمه تعالی

آثار

گناه

# آثار گناه

## مقدمه

حوادث و اتفاقات طبیعی و غیرطبیعی، مانند سرمای شدید و برف و یخبندان بی‌سابقه در زمستان، که علاوه بر از بین رفتن محصولات کشاورزی، سبب خسارات بسیار و بروز مشکلاتی در زندگی مردم می‌شود، کاهش شدید نزولات آسمانی و به تبع آن خشکسالی و کمبود آب، تورم بی‌سابقه جهانی، فوت دور از انتظار بسیاری از دوستان و آشنایان در سنین پایین، تصادفات فردی و گروهی بسیار، گسترش اختلافات خانوادگی، سردرگمی فقیر و غنی و ده‌ها مشکل گوناگون دیگر، اموری است که در اطراف، و زندگی ما رخ می‌دهد.

با نگاهی گذرا می‌توان برای هر یک از موارد فوق، یک یا چند علت جستجو کرد و شاید بتوان به راهکارهای عملی دست یافت که در این باره نویسندگان و گویندگان به تفصیل سخن گفته و از آن بحث کرده‌اند. برخی به جای بررسی علل و عوامل اصلی و زیربنایی، گناه را به گردن عوامل کم‌اهمیت می‌اندازند که نقش اساسی را به عهده نداشته‌اند و یا عوامل موهوم و خرافی و خیالی را مطرح می‌کنند.

برخی نیز تمام علت بدبختی خود را به بیگانگان و سیاست‌های مخرب آن‌ها نسبت می‌دهند و عده‌ای، همه این حوادث را مولود گردش موافق و مخالف افلاک می‌پندارند. سرانجام، عده‌ای دست به دامن قضا و قدر - به مفهوم تحریف‌یافته‌اش - و یا شانس و طالع و اقبال می‌زنند و همه حوادث تلخ و شیرین را از این طریق توجیه می‌کنند؛ اما متأسفانه کمتر کسی از نگاه دین به این مسئله پرداخته و آن را تحلیل می‌کند.

از نگاه دین اسلام، بلاها و گرفتاری‌ها علل مختلفی دارد؛ از جمله: آزمایش، شکوفایی، تکامل، تقویت ایمان، هشدار، تأدیب، اجر و پاداش و... که در رابطه با هر یک، آیات و روایات متعددی وجود دارد؛ اما در این نوشتار به یکی از مهم‌ترین علل بلاها، یعنی گناه پرداخته شده است.

### عامل مهم حوادث

اسلام، اعمال بشر را عاملی مهم برای حوادث برمی‌شمارد و بر آن تأکید می‌ورزد؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید:

« وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ - هر مصیبتی به شما رسد، به سبب اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند. » (شوری/۳۰)

در این آیه، نکاتی است که باید به آن توجه داشت:

۱. این آیه به خوبی نشان می‌دهد، برخی از مصائبی که دامنگیر آدمی می‌شود، یک نوع مجازات الهی و هشدار است؛ هر چند استثنائاتی دارد و به این ترتیب، یکی از دلائل حوادث دردناک و مشکلات زندگی روشن می‌شود. جالب این‌که در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌خوانیم که پیامبر گرامی خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

« خَيْرُ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ هَذِهِ الْآيَةُ يَا عَلِيُّ مَا مِنْ خَدَشٍ عُودٍ وَلَا نَكْبَةٍ قَدِمَ إِلَّا بِذَنْبٍ وَمَا عَمَّا لِلَّهِ عَنْهُ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَعُودَ فِيهِ وَمَا عَاقَبَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ أَعْدَلُ مِنْ أَنْ يُثَنَّى عَلَى عَبْدِهِ - این آیه (وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ...) بهترین آیه در قرآن مجید است. ای علی! هر خراشی که از چوبی [بر تن انسان] وارد می‌شود، و هر لغزش قدمی، بر اثر گناهی است [که از او سر زده است] و

آن چه خداوند در دنیا عفو می‌کند، گرامی‌تر از آن است که [در قیامت] در آن تجدید نظر فرماید، و آنچه را که در این دنیا عقوبت فرموده است، عادل‌تر از آن است که در آخرت، بار دیگر کیفر دهد.<sup>۱</sup>

۲. ظاهر آیه، عام است و همه مصائب را در برمی‌گیرد؛ ولی باید دانست مصائب و مشکلاتی که دام‌گیر انبیا و ائمه اطهار علیهم‌السلام و برخی از اولیاء الهی می‌شده است، برای ترفیع مقام یا آزمایش آن‌ها بوده است. همچنین برخی از گرفتاری‌هایی که گریبان افراد غیرمعصوم را می‌گیرد یا جنبه آزمایش و امتحان دارد؛ چنان‌که قرآن به صراحت می‌فرماید:

« وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ - قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم و به استقامت‌کنندگان بشارت ده. » (بقره/۱۵۵)

گاهی نیز بر اثر بی‌دقتی، مشورت نکردن و سهل‌انگاری در امور حاصل می‌شود که اثر تکوینی اعمال خود انسان است.

۳. گاه مصائب، جنبه دسته‌جمعی دارد، و محصول گناهان جمعی است؛ همان‌گونه که در قرآن چنین می‌خوانیم:

« ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ - فساد در خشکی و دریا به سبب اعمال مردم آشکار شد تا نتیجه برخی اعمال‌شان را به آن‌ها بچشانند؛ شاید باز گردند. » (روم/۴۱)

و در آیه دیگری چنین آمده است:

۱. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ج ۹ ص ۴۰۰

« إِنْ اللّٰهُ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ إِذَا أَرَادَ اللّٰهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ - خداوند، سرنوشت هیچ جمعیتی را تغییر نمی‌دهد؛ مگر این که آنان آن چه را در خودشان است تغییر دهند. و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی [به خاطر اعمالشان] کند؛ هیچ چیز مانع آن نخواهد شد.» (رعد/۱۱)

گاه ممکن است این قضیه در باره فرد فرد انسان‌ها صادق و هر کس در مقابل گناهی که مرتکب می‌شود به مصیبتی در جسم و جان یا اموال و متعلقاتش گرفتار شود؛ همان‌گونه که در آیه فوق آمده است.

### گناهان جدید و بلاهای جدید

به راستی اگر نافرمانی از فرمان خدا، عامل این همه مشکلات فردی و اجتماعی است و اگر گناه عده‌ای، گریبانگیر همه جامعه می‌شود، پس چرا به آن بی‌توجه‌اند و گناه‌کاران شرمنده نمی‌شوند؟ چرا قبح گناه در برخی جوامع کنونی از بین رفته است؟ چرا برخی، میان مال حلال و حرام فرقی نمی‌گذارند و فقط ثروت و تجملات و مقام، عامل تفاخر است؟ چرا از یکی از مهم‌ترین واجبات، یعنی امر به معروف و نهی از منکر، خبری نیست؟ چرا به نماز که ستون اصلی دین است، بی‌توجهی شده و پرداخت خمس و زکات، به فراموشی سپرده شده است؟ چرا حجاب و عفاف که نقش مهمی در اجتماع دارد، با بی‌توجهی مواجه شده است؟ آیا اختلاط زن و مرد در برخی مجالس، گناهی بزرگ محسوب نمی‌شود و چرا نظارت والدین بر فرزندان، جدی گرفته نمی‌شود؟

متأسفانه آن چه بلای اجتماع، خانواده‌ها و به‌ویژه جوانان و نوجوانان شده است، معاصی جدید و سرگرمی‌های متنوع و انحرافات تازه‌ای است که روز به روز بر آن‌ها افزوده می‌شود. متأسفانه امروزه، روابط و دوستی‌های پسر و

دختر، استفاده از انواع مواد مخدر، استفاده ناصحیح از وسایلی همچون: ماهواره، اینترنت، موبایل و... به مسئله‌ای عادی تبدیل شده است؛ همان‌گونه که مشاهده می‌شود، گرفتن عکس‌های غیراخلاقی با موبایل و ارسال آن توسط بلوتوس و... به وسایلی برای اشاعه فحشا تبدیل شده است و برخی والدین در مقابل هجوم فیلم‌ها و عکس‌های غیراخلاقی و مبتذل، جوانان را آزاد گذاشته و آنان ناخواسته، در حال فاصله گرفتن از ضروریات دین‌اند.

حضرت علی علیه‌السلام در کلامی، گناهان جدید را عامل بلاهای جدید معرفی کرده، می‌فرماید:

« كَلَّمَا أَحَدَثَ النَّاسُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَحَدَثَ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعُدُّونَ - هرچه مردم گناه تازه بکنند، خداوند بلائی تازه‌ای برای آن‌ها به وجود می‌آورد که سابقه نداشته است.»<sup>۱</sup>

از طرف دیگر، بی‌توجهی جامعه و والدین باعث شده است تا بسیاری از جوانان از مفاسد مخرب چنین سرگرمی‌هایی بی‌اطلاع باشند که افزون بر ضررهای فردی، باعث اشاعه فحشا در جامعه می‌شود.

قرآن کریم می‌فرماید:

« إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ - کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.» (نور/۱۹)

## اشاعه فحشا

از آن جا که انسان، یک موجود اجتماعی است، جامعه بزرگی که در آن زندگی می‌کند، از یک نظر همچون خانه او است، و حریم آن همچون حریم خانه او محسوب می‌شود؛ پاکی جامعه به پاکی او کمک می‌کند و آلودگی آن به آلودگی‌اش. طبق همین اصل، در اسلام با هر کاری که جو جامعه را مسموم یا آلوده کند، به شدت مبارزه شده است. اگر می‌بینیم در آموزه‌های دینی، با غیبت به شدت مبارزه شده است، یکی از فلسفه‌هایش این است که غیبت، عیوب پنهانی را آشکار می‌سازد و حرمت جامعه را جریحه‌دار می‌کند.

اگر می‌بینیم در اسلام، از تظاهر به گناه به شدت منع شده و دستور عیب‌پوشی داده شده است، یک دلیلش این است که گناه، همگانی نشود. اگر می‌بینیم معصیت آشکار، اهمیتش بیش از گناه مستور و پنهان است، بر همین اساس است.

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مُجَاهِرَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِالْمَعَاصِي تُعَجِّلُ النَّيْمَ - آشکارا خدای سبحان را نافرمانی کردن، به کیفرها شتاب می‌بخشد»<sup>۱</sup> اصولاً گناه، همانند آتش است. وقتی این آتش در نقطه‌ای از جامعه روشن شود، باید کوشید تا خاموش، یا دست‌کم محاصره شود؛ اما اگر به آن، دامن زده شود و از نقطه‌ای به نقطه دیگر برده شود، حریق، همه جا را فرا خواهد گرفت و کسی قادر بر کنترل آن نخواهد بود.

از این گذشته، پلیدی گناه در نظر عامه مردم و حفظ ظاهر جامعه از آلودگی‌ها، خود سدّ بزرگی در برابر فساد است که اشاعه فحشا و نشر گناه و تجاهر به فسق، این سد را می‌شکند، گناه را کوچک می‌کند و آلودگی به آن را ساده می‌نماید.

۱. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۰۰

در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می خوانیم:  
 «الْمُذِيعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ وَالْمُسْتَتِرُ بِهَا مَعْفُورٌ لَهُ» — فردی که گناه را نشر دهد  
 مخذول و مطرود است و آن که آن را پنهان می دارد، مشمول آمرزش الهی  
 است.<sup>۱</sup>

ذکر این نکته نیز لازم است که «اشاعه فحشا» اشکال مختلفی دارد:  
 گاه به این است که به دروغ و تهمت دامن بزنند و برای این و آن بازگو  
 کنند. زمانی به این است که مراکز فساد و نشر فحشا به وجود آید. گاهی به  
 این است که وسائل معصیت در اختیار مردم قرار گیرد و یا به نحوی، آن ها را به  
 گناه تشویق کنند. گاه هم به این است که پرده حیا دریده و ارتکاب گناه در ملأ  
 عام ترویج شود. همه اینها مصداق «اشاعه فحشا» است.  
 بر خلاف آن که برخی در برابر امر به معروف و نهی از منکر دیگران ایستادگی  
 می کنند و آن را مربوط به خود می دانند، اسلام برخی آثار گناه را فردی و برخی  
 را اجتماعی معرفی می کند:

### آثار فردی گناه

با بررسی آیات و روایات به این نتیجه می رسیم که بسیاری از مشکلات در  
 زندگی، متأثر از معصیت الهی است و افراد، بدون در نظر گرفتن این مهم، فرد  
 یا جامعه را مقصر مشکلات خویش می پندارند. علت این پندار، آن است که  
 در برخی موارد، رابطه گناه با مصیبتی که از آن ناشی می شود، کم و بیش  
 قابل درک است؛ اما در بسیاری موارد، محسوس نیست و شخص، دنبال علت  
 دیگری می گردد.

گاه ارتکاب گناه سبب می شود انسان از انجام عبادتی محروم شود؛  
 چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۲ ص ۴۲۸



«إِنَّ الرَّجُلَ لَيَذُنِبُ الذَّنْبَ فَيُحَرِّمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ إِنَّ عَمَلَ السَّيِّئِ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِّينِ فِي اللَّحْمِ - آدمی گاهی گناه می کند و بر اثر آن از نماز شب محروم می شود. تأثیر کار زشت در انسان سریع تر از تأثیر کارد در گوشت است.»<sup>۱</sup>

به سبب ارتباط بین محرومیت ها و مصیبت ها و گناه است که وقتی مشکل برای برخی بزرگان پیش می آمد، فکر می کردند چه خطایی کرده اند که باعث این مصیبت شده است. قساوت قلب، ذلت و بیچارگی، گرفتاری و رنج، بسته شدن مراکز ادراک، سختی و تنگدستی در زندگی، تغییر نعمت های الهی و... برخی از آثار گناه به شمار می رود.

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ \* فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَ لَآكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ - ما به سوی امت هایی که پیش از تو بودند، (پیامبرانی) فرستادیم؛ (و هنگامی که با این پیامبران به مخالفت برخاستند،) آن ها را با شدت و رنج و ناراحتی مواجه ساختیم؛ شاید (بیدار شوند و در برابر حق،) خضوع کنند و تسلیم گردند! \* چرا هنگامی که مجازات ما به آنان رسید، (خضوع نکردند و) تسلیم نشدند؟! بلکه دل های آنها قساوت پیدا کرد؛ و شیطان، هر کاری را که می کردند، در نظرشان زینت داد! » (انعام/ ۴۲ و ۴۳)

« وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَن نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِئُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ فَنَائِهَا وَ فُومَهَا وَ عَدْسِهَا وَ بَصَلَهَا قَالَ أَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبَطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مِمَّا سَأَلْتُمْ وَ ضَرِبْتَ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ وَ الْمَسْكَنَةَ وَ بَأْوُ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ - و (نیز به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتید: ای موسی!

هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا اکتفاء کنیم! از خدای خود بخواه که از آنچه زمین می‌رویاند، از سبزیجات و خیار و سیر و عدس و پیازش، برای ما فراهم سازد. موسی گفت: آیا غذای پست‌تر را به جای غذای بهتر انتخاب می‌کنید؟! (اکنون که چنین است، بکوشید از این بیابان) در شهری فرود آئید؛ زیرا هر چه خواستید، در آنجا برای شما هست.» و (مهر) ذلت و نیاز، بر پیشانی آن‌ها زده شد؛ و باز گرفتار خشم خدایی شدند؛ چرا که آنان نسبت به آیات الهی، کفر می‌ورزیدند؛ و پیامبران را به ناحق می‌کشتند. این‌ها به خاطر آن بود که گناهکار و متجاوز بودند.» (بقره/ ۶۱)

« وَ مَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ - هر مصیبتی به شما رسد به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند!» (شوری/ ۳۰)

« يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَ لَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَ هُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ وَ كَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا - آن‌ها زشتکاری خود را از مردم پنهان می‌دارند؛ اما از خدا پنهان نمی‌دارند، و هنگامی که در مجالس شبانه، سخنانی که خدا راضی نبود می‌گفتند، خدا با آنها بود، خدا به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد.» (نحل/ ۱۰۸)

« وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى - و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را نابینا محسور می‌کنیم!» (طه/ ۱۲۴)

« ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نُّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ - این، به خاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد؛ جز آن‌که آن‌ها خودشان را تغییر دهند؛ و خداوند، شنوا و داناست!» (انفال/ ۵۳)

## ۱. سختی و تنگدستی در زندگی

بسیار مشاهده می‌شود که انسان دست به هر کاری می‌زند با درهای بسته رو به رو می‌شود، و گاهی به عکس به هر جا روی می‌آورد، خود را در برابر درهای گشوده می‌بیند، مقدمات هر کار فراهم است و بن‌بست و گرهی در برابر او نیست.

گاهی تنگی معیشت به این علت نیست که درآمد کمی دارد. ای بسا! پول و درآمدش هنگفت است؛ ولی بخل و حرص و آز، زندگی را بر او تنگ می‌کند؛ نه تنها میل ندارد در خانه‌اش باز باشد و دیگران از زندگی او استفاده کنند؛ بلکه گویی نمی‌خواهد آن را به روی خویش بگشاید. چنین فردی، به فرموده علی علیه‌السلام همچون فقیران زندگی می‌کند و همانند اغنیا و ثروتمندان حساب پس می‌دهد.

«عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ الَّذِي مِنْهُ هَرَبَ وَ يَمُوتُهُ الْغِنَى الَّذِي إِتَاهُ طَلَبَ فَيَعِيشُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَ يُجَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَغْنِيَاءِ — از بخیل در شگفتم که برای رسیدن به فقری که از آن گریزان است، شتاب می‌ورزد و به آن بی‌نیازی که خواستار آن است دسترسی پیدا نمی‌کند؛ در دنیا همچون فقیران زندگی می‌کند، و در آخرت باید حسابی چون ثروتمندان پس دهد.»<sup>۱</sup>

قرآن کریم عامل اصلی این مسائل را اعراض از یاد حق دانسته، می‌فرماید:

« وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنِ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى — و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را نابینا محسور می‌کنیم!» (طه/۱۲۴)

همان‌گونه که یاد خدا مایه آرامش جان، تقوا و شهامت است، فراموش

کردن او مایه اضطراب، ترس، نگرانی و سختی در زندگی می‌شود. در روایات اسلامی می‌خوانیم که از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: «منظور از آیه « مَنْ أَعْرَضَ عَنِ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا » چیست؟» فرمود: «اعراض از ولایت امیر مؤمنان علیه‌السلام است.»<sup>۱</sup>

آری، شخصی که از حضرت علی علیه‌السلام الگو بگیرد، زندگی گشاده و وسیعی خواهد داشت؛ زیرا الگوش همان ابرمردی است که تمام دنیا در نظرش از یک برگ درخت کم‌ارزش‌تر بود. در نتیجه او آن چنان به خدا دل می‌بندد که جهان در نظرش کوچک می‌شود و زندگی‌اش وسعت می‌یابد؛ اما آن‌ها که این الگوها را فراموش کنند، در هر شرایطی، گرفتار زندگی سخت هستند.

## ۲. زنگار قلب

قلب برخی انسان‌ها به سبب اعمال‌شان زنگار گرفته، و نور و صفای فطری نخستین را از دست داده است. به همین دلیل، چهره حقیقت که همچون آفتاب عالم‌تاب می‌درخشد، هرگز در آنان بازتابی ندارد، و پرتو انوار وحی در وجودشان منعکس نمی‌شود. قرآن در باره این افراد می‌فرماید:

«كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ - چنین نیست که آن‌ها می‌پندارند؛ بلکه اعمال‌شان چون زنگاری بر دل‌های‌شان نشسته است.» (مطففین/۱۴)

آیات متعددی از قرآن با صراحت از تأثیر گناه در تاریک ساختن دل، سخن به میان آورده و بر آن تأکید کرده است؛ چنان‌که در سوره مؤمن می‌فرماید:

«كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ - خداوند، این‌گونه بر قلب هر متکبر طغیانگری مهر می‌نهد.» (غافر/۳۵)

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۰۵

همچنین در جای دیگر در باره گروهی از گنه کاران لجوج و عنود می فرماید: «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَرِهِمْ غِشْوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ — خداوند بر دل های آنها مهر نهاده، و همچنین بر گوش ها و بر چشم هایشان پرده ای فرو افتاده است و برای آن ها عذاب بزرگی است.» (بقره / ۷)

در آیه دیگری می خوانیم: « فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ - چشم های ظاهر، نابینا نمی شود؛ بلکه دل هایی که در سینه ها جای دارد، نابینا می شود.» ( حج / ۴۶)

آری، بدترین اثر گناه و ادامه آن، تاریک ساختن قلب، و از میان بردن نور علم و حس تشخیص است. گناهان از اعضا و جوارح به سوی قلب سرازیر می شود، و قلب را به یک باتلاق متعفن و گندیده مبدل می سازد. این جاست که آدمی، راه و چاه را تشخیص نمی دهد، و مرتکب اشتباهات عجیبی می شود که همه را حیران می کند؛ یعنی با دست خود تیشه به ریشه سعادت خویش می زند و سرمایه خوشبختی خویش را به باد فنا می دهد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَذْنَبَ كَانَتْ نُكْتَةٌ سَوْدَاءَ فِي قَلْبِهِ فَإِنْ تَابَ وَ نَزَعَ وَ اسْتَغْفَرَ صَلَّاهَ قَلْبُهُ مِنْهُ وَ إِنْ زَادَ زَادَتْ فَذَلِكَ الرَّيُّ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ - هنگامی که بنده گناه کند، نقطه سیاهی در قلب او پیدا می شود، اگر توبه کند و از گناه دست بردارد و استغفار کند، قلبش را از گناه صیقل داده است و اگر گناه را زیاد کند، سیاهی افزون می شود [تا تمام قلبش را فرا می گیرد]. این، همان زنگاری است که خداوند در قرآن ذکر کرده است: چنین نیست که آن ها می پندارند؛ بلکه اعمال شان چون زنگاری بر دل های شان نشسته است.»<sup>۱</sup>

۱. روضة الواعظین و بصيرة المتعظین (ط - القديمة) ج ۲ ص ۴۱۴

### ۳. کوتاهی عمر

عمر، بزرگ‌ترین سرمایه اهل ایمان برای کسب درجات عالیه است؛ از این‌رو اولیای الهی، همیشه طول عمر خویش را از خداوند منان طلب می‌کرده‌اند؛ چنان‌که امام حسن عسکری علیه‌السلام از خداوند، این‌گونه طلب می‌کند:

«أَسْأَلُكَ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي فِي طَاعَتِكَ - خدایا! از تو می‌خواهم عمرم را برای

اطاعتت طولانی فرمایی.»<sup>۱</sup>

طبق روایات متعددی از ائمه اطهار علیهم‌السلام همان‌گونه که برخی کارها، باعث افزایش عمر انسان می‌شود، برخی موارد نیز از عمر انسان می‌کاهد. یکی از آنها، گناه است.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«تَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الدُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَ تُقَرِّبُ الْأَجَالَ وَ تُخْلِي الدِّيَارَ وَ هِيَ

قَطِيعَةُ الرَّحِمِ وَ الْعُقُوقُ وَ تَرْكُ الْبِرِّ - به خدا پناه می‌بریم از گناهایی که نابودی را شتاب دهند و مرگها را نزدیک سازند و خانه‌ها را ویران کنند و آنها قطع

رحم، و آزردن و نافرمانی پدر و مادر، و واگذاردن احسان و نیکی است.»<sup>۲</sup>

و نیز می‌فرماید: «مَنْ يَمُوتُ بِالدُّنُوبِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ - کسانی که بر اثر

گناهان می‌میرند، بیش‌ترند از کسانی که بر اثر رسیدن اجل می‌میرند.»<sup>۳</sup>

۱. إقبال الأعمال (ط - القديمة) ج ۱ ص ۲۵ - فصل فيما نذکره من ترتيب نافلة شهر رمضان بين

العشاءين و أدعتها في كل ليلة تكون نافلتها عشرين ركعة

۲. الكافي (ط - الإسلامية) ج ۲ ص ۴۴۸

۳. الأمالی (للطوسي) ص ۳۰۵

## ۴. فراموشی

گناه، باعث فراموشی می‌شود. فراموشی، عوامل مختلف فیزیوژنیک و روانی می‌تواند داشته باشد. نافرمانی خدا، یکی از آن عوامل به شمار می‌آید. رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم یکی از عقوبت‌های الهی برای گناهکاران را ضعف قوه یادآوری بیان کرده، می‌فرماید:

«اتَّقُوا الذُّنُوبَ فَإِنَّهَا مَمْحَقَةٌ لِلْخَيْرَاتِ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَنْسَى بِهِ الْعِلْمَ الَّذِي كَانَ قَدْ عَلِمَهُ - از گناهان دوری کنید که نیکی‌ها را از بین می‌برد. آدمی مرتکب گناهی می‌شود و بر اثر آن، علمی که قبلاً فرا گرفته را فراموش می‌کند.»<sup>۱</sup>

افزون بر این که معصیت باعث می‌شود انسان، خود را از یاد ببرد، سبب فراموشی مرگ و قیامت، (۳۰) گناهان گذشته (۳۱) و نشانه‌های الهی (۳۲) می‌شود و در نتیجه باعث می‌شود انسان، خداوند متعال را فراموش کند؛ چنان‌که قرآن کریم در باره چنین افرادی می‌فرماید: «نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ - خدا را فراموش کردند، و خدا [نیز] آن‌ها را فراموش کرد [و رحمتش را از آن‌ها قطع کرد.]» (توبه/۶۷)

«الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَ لَعِبًا وَ غَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنْسِيَهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَ مَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ - همان‌ها که دین و آیین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند؛ و زندگی دنیا آنان را مغرور ساخت؛ امروز ما آن‌ها را فراموش می‌کنیم، همان‌گونه که لقای چنین روزی را فراموش کردند و آیات ما را انکار نمودند.» (اعراف/ ۵۱)

«يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَ نَسُوهُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ - در آن روز که خداوند همه آن‌ها را برمی‌انگیزد و از اعمالی که انجام

دادند با خبر می‌سازد، اعمالی که خداوند حساب آن را نگه داشته و آن‌ها فراموشش کردند؛ و خداوند بر هر چیز شاهد و ناظر است.» (مجادله / ۶)

« قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسى - می‌فرماید: آن گونه که آیات من برای تو آمد، و تو آنها را فراموش کردی؛ امروز نیز تو فراموش خواهی شد!» (طه / ۱۲۶)

### ۵. مستجاب نشدن دعا

دعا مهم‌ترین راه ارتباط با خالق هستی و تنها راه جلب توجه خداوند متعال به خویش است؛ چنان که قرآن می‌فرماید:

«قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ رَّبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ - بگو: پروردگارم برای شما ارج و ارزشی قائل نیست، اگر دعای شما نباشد.» (فرقان / ۷۷)

همچنین معصیت، سبب سلب توفیق، از بین رفتن حال معنوی هنگام دعا، و نیز باعث حبس دعا می‌شود و چنین است که دعا مستجاب نمی‌شود.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: « إِنَّ الْعَبْدَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْحَاجَةَ فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِهِ قَضَاؤُهَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ أَوْ إِلَىٰ وَقْتٍ بَطِيٍّ فَيُذْنِبُ الْعَبْدُ ذَنْبًا فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَىٰ لِلْمَلَكِ لَا تَقْضِ حَاجَتَهُ وَ احْرِمُهُ إِيَّاهَا فَإِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخَطِي وَ اسْتَوْجَبَ الْحِرْمَانَ مِنِّي - بنده‌ای حاجتی را از خداوند می‌خواهد، و اقتضاء این است که خداوند، حاجت او را یا در وقتی نزدیک و یا در مدتی طولانی برآورده کند. [در این فاصله،] بنده‌ای که طلب حاجت کرده است، مرتکب گناهی می‌شود، خداوند به فرشته [امور برآوردن خواسته‌های او،] دستور می‌دهد حاجتش را بر نیاورد و محرومش کن! زیرا او خود را در معرض خشم من قرار داده و مستحق محرومیت از ناحیه من شده است.»<sup>۱</sup>



## ۶. الحاد و انکار

خداوند می‌فرماید:

« تَمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاؤُا السُّوْأَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ — سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند! » (روم/۱۰)

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز در ضمن گفتاری فرمود:

« فَإِنَّ الْمَعَاصِيَ يَسْتَوْلِي بِهَا الْخِذْلَانُ عَلَى صَاحِبِهَا حَتَّى تُوقِعَهُ فِي رَدِّ وَلَايَةِ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ رَفَعَ بُيُوتَهُ نَبِيِّ اللَّهِ وَ لَا يَزَالُ أَيْضاً بِذَلِكَ حَتَّى تُوقِعَهُ فِي دَفْعِ تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ الْإِحَادِ فِي دِينِ اللَّهِ — همانا گناهان، بی‌یار و یاورى [او گمراهی] را بر گنه‌کار مسلط می‌کند تا آن‌جا که او را به ردّ ولایت و امامت وصی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم و انکار نبوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و به همین منوال، انکار یکتایی خدا و الحاد و کفر در دین خدا، آلوده می‌سازد. »<sup>۱</sup>

## ۷. عذاب الهی در آخرت

قرآن مجید، عذاب سخت و آتش سوزان قیامت را از آثار نافرمانی خدا برشمرده، می‌فرماید:

« وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَّتْ وَ جُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ — آن‌ها که اعمال بدی انجام دهند، به صورت در آتش افکنده می‌شوند [و به آن‌ها گفته می‌شود] آیا جزایی جز آن‌چه عمل می‌کردید، خواهید داشت؟! » (نمل/۹۰)

در جای دیگر می‌فرماید:

« وَ مَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً — هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند، آتش دوزخ از آن اوست و جاودانه در آن می‌ماند. » (جن/۲۳)

۱. التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام ص ۲۶۴

## ۸- گرفتن حال دعا و عبادت

شاید برخی ادعا کنند که ما هر چه قدر گناه می‌کنیم، نه تنها سختی و تنگدستی مشاهده نمی‌کنیم؛ بلکه هر روز زندگی ما بهتر می‌شود. در جواب این‌گونه افراد باید گفت:

اول: بسیاری از نکبت‌ها و کمبودها در زندگی به علت سرپیچی از فرمان خدا پدید می‌آید؛ در حالی که انسان، علت آن را نمی‌داند.  
دوم: این سؤالی است که مردی از شعیب پیامبر علیه‌السلام پرسید و گفت: «چرا من این همه گناه می‌کنم؛ ولی خداوند مرا عقوبت نمی‌کند؟» از سوی خداوند متعال پاسخ آمد: «تو گرفتار بدترین عقوبت‌ها هستی و نمی‌دانی.» مولوی این داستان را این‌گونه بیان می‌کند:

آن یکی می‌گفت در عهد شعیب	که خدا از من بسی دیده است، عیب
چند دید از من گناه و جرم‌ها	وز کرم یزدان نمی‌گیرد مرا
حقتعالی گفت در گوش شعیب	در جواب او فصیح از راه غیب
که بگفتی چند کردم من گناه	و ز کرم نگرفت در جرمم اله
عکس می‌گویی و مغلوب ای سفیه	ای رها کرده ره و بگرفته تیه
چند چندت گیرم و تو بی‌خبر	در سلاسل مانده‌ای پا تا به سر
زنگ تو بر توست ای دیگ سیاه	کرد، سیمای درونت را تباه
بر دلت زنگار بر زنگارها	جمع شد تا کور شد ز اسرارها

یعنی تو بر عکس فکر می‌کنی. اگر خداوند، تو را عقوبت می‌کرد و تو قابلیت چنین مجازاتی را داشتی، آن وقت ممکن بود عقوبت تو، عذاب نباشد؛ بلکه لطف و رحمت باشد؛ زیرا احیاناً سبب بیداری تو می‌شد؛ اما آنچه اکنون، گرفتار آن هستی، صد در صد عقوبت است.<sup>۱</sup>

۱. عدل الهی، مرتضی مطهری، ص ۱۶۰

در حدیث قدسی نیز همین مضمون آمده است:

«أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عَ أَنَّ أَهْوَنَ مَا أَنَا صَانِعٌ بِعَبْدٍ غَيْرِ عَامِلٍ بِعِلْمِهِ مِنْ سَبْعِينَ عَشْرَةَ بَاطِنِيَّةً أَنْ أُخْرَجَ مِنْ قَلْبِهِ حَلَاوَةٌ ذِكْرِي - خداوند به داود علیه‌السلام وحی فرستاد و فرمود: کم‌ترین چیزی که انجام می‌دهم نسبت به بنده‌ای که به علمش عمل نکند، این است که: او را به هفتاد عقوبت و عذاب باطنی و درونی دچار می‌کنم که کوچک‌ترینش این است که شیرینی ذکر را از قلبش می‌برم.»<sup>۱</sup>

### آثار اجتماعی گناه

آن‌چه از قرآن و فرموده‌های معصومان علیهم‌السلام به ما رسیده، آن است که حتی آثار گناهان فردی، جامعه را نیز در برمی‌گیرد. استاد شهید مطهری رحمت‌الله‌علیه در تبیین اثر گناه فرد بر جامعه می‌فرماید:

«اجتماع روی فرد اثر می‌گذارد و فرد روی اجتماع. واقعاً مجموعش یک واحد است، خودش روح دارد، عمر دارد. این، یک مطلب عجیبی است که البته کسی که این را خوب استنباط کرده و پرورانده است، علامه طباطبایی است. ایشان در کمال وضوح از قرآن استنباط می‌کند که قرآن برای اجتماع، شخصیت قائل است. برای اجتماع عمر قائل است: "وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ - برای هر قوم و جمعیتی، زمان و سرآمد (معینی) است و هنگامی که سرآمد آن‌ها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنند، و نه بر آن پیشی می‌گیرند." (اعراف / ۳۴)

همچنین، برای اجتماع، بیماری و سلامت قائل است، برای اجتماع سعادت و شقاوت قائل است، برای اجتماع شرکت در مسئولیت قائل است.

گاهی افرادی می‌پرسند چرا اگر [اکثریت] یک قومی گناه کرده‌اند، اقلیت صالحی هم که در میان آن قوم است به عذاب آن قوم معذب می‌شوند؟ نمی‌دانند که افراد اجتماع، حکم اعضای یک پیکر را دارند. وقتی که در عضوی از یک پیکر سرطان پیدا بشود، اعضای دیگر نمی‌توانند بگویند چرا ما هم باید از بین برویم. به همان دلیل که شما با یکدیگر اتصال و هم‌ریشگی و پیوند دارید و به همان دلیل که از سعادت او بهره‌مند هستید، به همان دلیل از بدبختی او هم باید در اجتماع متضرر باشید. فقط آن دنیا است که دنیای جدایی است. در این دنیا افراد اجتماع واقعاً به یکدیگر متصل‌اند و واقعاً در ناخوشی و خوشی یکدیگر شریک‌اند و واقعاً در عذاب و سعادت یکدیگر شریک هستند.

در این دنیا قانون و قاعده علمی هم ایجاب می‌کند که اگر جناحی از اجتماع، آن قدر فاسد شد که توانست بلایی را به سوی اجتماع بکشد، این بلا شامل افراد دیگر هم می‌شود و سالم و ناسالم را با هم می‌گیرد. در این دنیا، تر و خشک با هم می‌سوزند، منتها از نظر آن‌ها که به اصطلاح خشک‌اند، یعنی آماده سوختن هستند، عذاب الهی است و شاید در آن دنیا هم دنباله داشته باشد؛ ولی از نظر آن‌ها که استحقاق نداشته‌اند، مصیبت و ابتلا است و در آن دنیا به آن‌ها اجر داده می‌شود.»<sup>۱</sup>

بنابر این، سخن کسانی که گناه را مربوط به خویش دانسته و از امر به معروف و نهی از منکر به خشم می‌آیند، خارج از منطق است؛ چرا که عقل و منطق حکم می‌کند آلودگی فرد، خواسته یا ناخواسته، جامعه را نیز آلوده می‌کند.

۱. اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۳۲۹ و ۳۳۰

### برخی آثار اجتماعی نافرمانی خداوند عبارت‌اند از:

برخی از این موارد از آثار فردی هم هست ولی چون اثر اجتماعی آن بیشتر است در این بخش آمده است.

#### ۱. خشکسالی و نباریدن باران

طبق روایات متعدد از ائمه اطهار علیهم‌السلام، یکی از کردارهایی که باعث نازل نشدن باران می‌شود، نپرداختن زکات است؛ چنان‌که رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«خَمْسٌ إِنْ أَدْرَكْتُمُوهُنَّ فَتَعَوَّدُوا بِاللَّهِ مِنْهُنَّ لَمْ تَظْهَرْ الْفَاحِشَةُ فِي قَوْمٍ قَطُّ حَتَّى يُعْلِنُوهَا إِلَّا ظَهَرَ فِيهِمُ الطَّاعُونَ وَ الْأَوْجَاعُ الَّتِي لَمْ تَكُنْ فِي أَسْلَافِهِمُ الَّذِينَ مَضَوْا وَ لَمْ يَنْقُضُوا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ إِلَّا أُخِذُوا بِالسِّنِينَ وَ شِدَّةِ الْمُتُونَةِ وَ جَوْرِ السُّلْطَانِ وَ لَمْ يَمْتَعُوا الزَّكَاةَ إِلَّا مُنِعُوا الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ وَ لَوْ لَا الْبَهَائِمُ لَمْ يُمَطَّرُوا وَ لَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَ اللَّهِ وَ عَهْدَ رَسُولِهِ إِلَّا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ وَ أَخَذُوا بَعْضَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ وَ لَمْ يَخْكُمُوا بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَسْهَمٍ بَيْنَهُمْ - پنج چیز است که اگر به آن‌ها برخورد کردید از آن‌ها به خدا پناه برید: هرگز در مردمی زنا پیدا نشود که آن را آشکار کنند؛ جز این‌که در ایشان طاعون و دردهایی که در گذشتگان آن‌ها سابقه نداشته پدیدار شود و از پیمانانه و ترازو کم نگذارند، جز این‌که به قحطی و سختی مخارج زندگی و ستم سلطان گرفتار شوند، و از دادن زکات منع نکنند؛ جز این‌که آمدن باران آسمان بر آن‌ها ممنوع شود و اگر به سبب چهار پایان نبود، هیچ باران بر آن‌ها نبارد. و عهد و پیمان خدا و رسول خدا را نشکنند مگر آنکه دشمنان‌شان بر آن‌ها مسلط شوند و بخشی از آن‌چه در دست آن‌هاست، بگیرند و حکم به غیر آن‌چه خدا نازل کرده است نکنند مگر آن‌که خداوند عزیز و جلیل، سختی و شدت را در بین آن‌ها قرار دهد.»<sup>۱</sup>

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

«أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ سَنَةِ أَقَلِّ مَطَرًا مِنْ سَنَةِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ إِذَا عَمِلَ قَوْمٌ بِالْمَعَاصِي صَرَفَ عَنْهُ مَا كَانَ قَدَّرَ لَهُمْ مِنَ الْمَطَرِ فِي تِلْكَ السَّنَةِ إِلَى غَيْرِهِمْ وَ إِلَى الْفَيَافِي وَ الْبِحَارِ وَ الْجِبَالِ وَ إِنَّ اللَّهَ لَيُعَذِّبُ الْجُعَلَ فِي حُجْرِهَا بِحَبْسِ الْمَطَرِ عَنِ الْأَرْضِ الَّتِي هِيَ بِمَحَلَّتِهَا لِحَطَايَا مَنْ بِحَضْرَتِهَا وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَهَا السَّبِيلَ إِلَى مَسْئَلِكِ سِوَى مَحَلَّةِ أَهْلِ الْمَعَاصِي قَالَ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ - سالی از سالی کم باران تر نیست؛ ولی خدا آن را هر جا خواهد ببارد، به راستی چون مردمی نافرمانی کنند، خدای جل جلاله آن چه باران برای آنها مقدر است در آن سال برای دیگران و به بیابانها و دریا و کوه می فرستد. به راستی خدا جُعَلَ (سوسک سرگین غلطان) را در سوراخش به خطای کسانی که در محل اویند با نباریدن باران در زمینی که او قرار دارد، عذاب می کند؛ چون خداوند برایش راه را باز گذاشته که به محل دیگری برود که اهل معصیت نباشند. سپس امام پنجم علیه السلام فرمود: ای صاحبان بصیرت! عبرت بگیرید.»<sup>۱</sup>

## ۲. نزول بلا و آفات

گناه، باعث نزول بلا و آفات برای فرد و جامعه می شود و چنانچه پیش تر گفته شد، معاصی جدید در جامعه، بلا و آفات و گرفتاری های جدیدی را به همراه خواهد داشت. بیماری های جدیدی مثل: ایدز، گسترش مواد مخدر جدید، افزایش فوت ناگهانی؛ به ویژه در جوانان، افزایش بیش از حد بیماری های روحی و روانی و... به نوعی اثرات وضعی گناهان جدید است.

۱. الأُمالی (لِلصَّدُوقِ) ص ۳۰۸

امام صادق علیه السلام فرمودند:

« تَعَوَّدُوا بِاللَّهِ مِنْ سَطَوَاتِ اللَّهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ قَالَ قُلْتُ لَهُ وَ مَا سَطَوَاتُ اللَّهِ قَالَ الْأَخْذُ عَلَى الْمَعَاصِي - همواره از غلبه و چیرگی خدا در روز و شب، به خدا پناه ببرید از ایشان سؤال شد که غلبه خدا چیست؟ فرمود: مؤاخذه و عذاب بر گناهان.»<sup>۱</sup>

### ۳. تغییر نعمت‌های الهی

در قرآن کریم یکی از آثار گناه، تغییر نعمت‌های الهی، معرفی شده است؛

چنان که در سوره انفال می‌خوانیم:

« ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ - این، برای آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد؛ جز آن که آن‌ها خودشان را تغییر دهند و خداوند، شنوا و داناست.» (انفال/۵۳)

در احادیث متعدّد، عواملی مانند: ظلم و گناه، سبب تغییر نعمت‌های الهی به حساب آمده‌اند؛ چنان که بازگشت از گناه و انحراف و حرکت در مسیر حق، سبب سرازیر شدن انواع نعمت‌های پروردگار است.

گناهان و ستم‌ها، انسان را از لیاقت بهره‌وری از لطف خداوند دور می‌کند؛ چنان که حضرت علی علیه‌السلام در خطبه قاصعه بدان اشاره کرده است و در دعای کمیل می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ..»

در این دنیا قانون و قاعده علمی هم ایجاب می‌کند که اگر جناحی از اجتماع، آن قدر فاسد شد که توانست بلایی را به سوی اجتماع بکشد، این بلا شامل افراد دیگر هم می‌شود و سالم و ناسالم را با هم می‌گیرد

در نامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر می خوانیم:  
 «لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ تَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَةِ عَلَي ظُلْمٍ - هیچ  
 چیز مانند ظلم و ستم، موجب تغییر نعمت خداوند و تعجیل در فرود آمدن  
 بلا و نغمتش نمی شود.»<sup>۱</sup>

#### ۴. تغییر سرنوشت انسان

خداوند متعال در سوره مبارکه رعد یکی از قوانین کلی و عمومی الهی را  
 بیان می کند؛ چنان که می فرماید:  
 «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ - خداوند، سرنوشت هیچ قوم (و  
 ملتی) را تغییر نمی دهد؛ مگر آنکه آنان، آنچه را در خودشان است، تغییر  
 دهند.» (انفال/۵۳)

آنچه در این آیه آمد، قانونی سرنوشت ساز و حرکت آفرین و هشدار دهنده  
 است. این قانون که یکی از پایه های اساسی جهان بینی و جامعه شناسی در اسلام  
 است، به ما می گوید مقدرات شما قبل از هر چیز و هر کس در دست خود شما  
 است، و هرگونه دگرگونی در خوشبختی و بدبختی اقوام در درجه اول به خود  
 شما بازگشت می کند.

شانس، طالع، اقبال، تصادف، تأثیر اوضاع فلکی و مانند این ها هیچ کدام پایه  
 و اساس ندارد. مهم آن است که ملتی خود بخواهد سربلند، سرفراز، پیروز و  
 پیشرو باشد، و یا به عکس، خودش به ذلت و زبونی و شکت، تن در دهد؛ حتی  
 لطف خداوند یا مجازات او، بی مقدمه، دامن هیچ ملتی را نخواهد گرفت؛ بلکه  
 این اراده و خواست ملت ها و تغییرات درونی آنهاست که ایشان را مستحق  
 لطف یا مستوجب عذاب خدا می سازد.

۱. نهج البلاغه (للصبحی صالح) ص ۴۲۹



یکی از دستوره‌های دین مبین اسلام آن است که برای پایان دادن به بدبختی‌ها و ناکامی‌ها باید دست به انقلابی از درون بزنیم، یک انقلاب فکری و فرهنگی، یک انقلاب ایمانی و اخلاقی، و به هنگام گرفتاری در چنگال بدبختی‌ها باید بی‌درنگ به جستجوی نقطه‌های ضعف خویشتن پردازیم، و آن‌ها را با آب توبه و بازگشت به سوی حق، از دامان روح و جان خود بشوییم تا در پرتو آن بتوانیم ناکامی‌ها و شکست‌ها را به پیروزی مبدل سازیم؛ نه این‌که این نقطه‌های ضعف که عوامل شکست است، در زیر پوشش‌های خودخواهی مکتوم بماند و به جستجوی عوامل شکست در بیرون جامعه بگردیم و خود در بیراهه‌ها سرگردان بمانیم.<sup>۱</sup>

### ۵. فساد در جامعه

بدون شک، هر کار خلافی در وضع جامعه و از طریق آن در وضع افراد اثر می‌گذارد، و باعث نوعی فساد در سازمان اجتماعی می‌شود. گناه و کار خلاف و قانون‌شکنی، همانند یک غذای ناسالم و مسموم است که در سازمان بدن انسان چه بخواهیم و چه نخواهیم تأثیر نامطلوب خواهد گذارد، و انسان، گرفتار واکنش طبیعی آن می‌شود.

قرآن کریم می‌فرماید:

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» - فساد، در خشکی و دریا به سبب کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده است. خدا می‌خواهد نتیجه بعضی اعمال‌شان را به آنان بچشاند، شاید (به سوی حق) بازگردند.» (روم/۴۱)

بسیاری از مشکلات اجتماع ما ناشی از گناه و بی‌مبالاتی‌هایی است که در

۱. تفسیر نمونه ج ۱۰ ص ۱۴۶ - خلاصه مطلب

سال‌های اخیر با وسایل جدید و البته با تبلیغات دشمنان در اختیار همگان، به‌ویژه جوانان قرار گرفته است. بر مریبان و مبلغان است تا طرز استفاده صحیح و شایسته از این وسایل و ابزار را به همگان، به‌ویژه جوانان یادآور شوند، آنان را از عواقب گناهان شایع و جدید آگاه کنند، و راه‌های جلب توجه و عنایت پروردگار را یادآور شوند؛ چرا که گسترش بدحجابی، دوستی‌های پسران و دختران و نیز استفاده مخرب و فاسدکننده از وسایلی همچون: موبایل، اینترنت و... جامعه را به انحطاط خواهد کشاند و خداوند متعال، وعده نداده است این نعمت نظام اسلامی را برای همیشه حفظ کند؛ چنان‌که طبق روایات متعددی از پیشوایان معصوم‌علیهم‌السلام برخی گناهان، باعث تسلط اشرار و ستمگران بر جامعه است.

امام باقرعلیه‌السلام می‌فرماید:

« در کتاب حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله یافتیم که هرگاه زنا بعد از من آشکار شود، مرگ ناگهانی زیاد می‌شود. و هرگاه در وزن و کیل خیانت شود، خداوند مردم را به قحطی و خشکسالی مؤاخذه می‌کند. و هرگاه مردم زکات ندهند، زمین، برکات خود را از زراعت، میوه‌ها و معدن‌ها منع می‌کند. و هرگاه حکم ظالمانه بدهند، مردم همدیگر را بر ستم و دشمنی کمک می‌کنند. و هرگاه نقض عهد کنند، خداوند دشمنان‌شان را بر آن‌ها مسلط می‌کند. و هرگاه قطع رحم کنند، اموال آن‌ها در دست دشمنان قرار می‌گیرد. و هنگامی که امر به معروف و نهی از منکر نکنند، و از نیکان خاندان من پیروی نکنند، خداوند بدهای‌شان را بر آن‌ها مسلط می‌سازد و نیکان هر چه دعا کنند مستجاب نمی‌شود.»<sup>۲</sup>

۱. ائمه اطهار علیهم‌السلام عوامل بسیاری را برای جلب عنایت پروردگار و آمرزش گناهان ذکر فرموده‌اند که استغفار، توبه، صدقه دادن زیاد، توسل، نماز و عبادت، از جمله آنان است.

۲. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۲ ص ۳۷۴